



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
دوره ۱۵ / شماره ۳ (پیاپی ۵۹) / پائیز ۱۴۰۵
صفحه ۸۱ تا ۱۰۰

بررسی اثرات شفافیت اطلاعات مالی، ارتباطات سیاسی و معاملات با افراد وابسته بر حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مریم کریمی

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد بین المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران
Maryam.karimi9298@gmail.com

رسول کریمی

استادیار، گروه حسابداری، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران (نویسنده مسئول)
Rasoul.karami@iau.ac.ir

هوشنگ امیری

استادیار، گروه حسابداری، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران
hoshangamiri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

چکیده

با توجه به نقش تعیین کننده مکانیزمهای حاکمیت شرکتی و رابطه آن بین شفافیت اطلاعات مالی، ارتباطات سیاسی، معاملات با افراد وابسته و عملکرد شرکتهای در این پژوهش، در کنار بررسی آنها، تاثیر برخی از متغیرهای کنترلی بر حاکمیت شرکتی، مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از انجام این تحقیق، تعیین متغیرهای تاثیرگذار بر مکانیزمهای حاکمیتی هم چون ساختار هیات مدیره شرکت حسابداری داخلی (مکانیزمهای نظارتی درون سازمانی حاکمیت شرکتی)، سهامدار عمده و سرمایه گذاران نهادی (مکانیزمهای نظارتی برون سازمانی حاکمیت شرکتی)، ارتباطات سیاسی، معاملات با افراد وابسته در چارچوب یک پانل آماری (شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۴۰۰-۱۳۸۴) و در چارچوب یک مدل اقتصادسنجی لگاریتمی چند متغیره استفاده شده است. در این پژوهش تاثیر عوامل ساختار مالکیت نهادی، نوسان پذیری سود شرکت، میزان فروش شرکت، معیار توبین و بازده داریها (شاخصهای عملکرد)، میزان نقدشوندگی سهام (شفافیت مالی)، ارتباطات سیاسی، معاملات با افراد وابسته در کنار دیگر متغیرهای کنترلی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. یافتههای این تحقیق بیانگر آن هستند که اگر عوامل نوسان پذیری سود شرکت، میزان فروش شرکت، میزان نقدشوندگی سهام (شفافیت مالی)، ارتباطات سیاسی، معاملات با افراد وابسته و عملکرد شرکتهای تغییر کنند تاثیر همه متغیرها به غیر از متغیرهای نوسان پذیری سود شرکت ها، ارتباطات سیاسی، معاملات با افراد وابسته و شاخص بار بدهی شرکتها دارای تاثیر مثبتی بر ساختار نهادی و شاخصهای عملکردی شرکتهای پذیرفته شده در بورس خواهد داشت و رابطه بین ساختار عملکرد شرکتها و نقدشوندگی سهام و ساختار نهادی (ارتباطات سیاسی) به صورت سیستمی دوطرفه مثبت ارزیابی می شود.

واژههای کلیدی: ارتباطات سیاسی، معاملات با افراد وابسته، داده های ترکیبی.

۱- مقدمه

تفویض کردند و بازار های بورس اوراق بهادار شکل گرفت. یکی از ابزار های تخصیص بهینه منابع، بازارهای اوراق بهادار می باشد. لذا هر مشکلی که در بازار مذکور بوجود آید، تنها مسأله اقتصادی نیست بلکه به مسأله ای اجتماعی مبدل می شود که در آن منافع عمومی جامعه به خطر خواهد افتاد برای حل و فصل مشکلات مذکور، یکی از مفاهیم با اهمیت مطرح شده در دو دهه اخیر، مفهوم حاکمیت شرکتی است. دو دیدگاه نظری عمده شامل تئوری نمایندگی و تئوری ذی نفعان در این مورد مطرح است. هر یک از آن ها به صورت متفاوت به موضوع حاکمیت شرکتی می نگرند. تئوری نمایندگی به مشکل کارگزار و کارگمار و تئوری ذی نفعان به مشکل کارگزار و ذی نفعان می نگرند (چاپویز و همکاران)^۲.

گسترش روز افزون بازار سرمایه و اهمیت در خور توجه جاذبه های اقتصادی به عنوان اصلی ترین انگیزه برای ورود اشخاص به این حوزه، همواره بازارهای سرمایه را در موقعیت بروز فساد از سوی فعالان مختلف اقتصادی قرار می دهد. از اینرو امروزه دست اندرکاران بازار سرمایه، مهمترین راه پیشگیری از فساد در بازار سرمایه را پایبندی به شفافیت در امر گزارشگری مالی می دانند که تحقق آن مستلزم رعایت استانداردهای حسابداری در تهیه صورتهای مالی و اتکا بر اطلاعات مالی صورتهای مالی حسابرسی شده است. رعایت نکردن استانداردهای مربوط به گزارشگری مالی را باید به عنوان اصلی ترین عامل، در ورشکستگی شرکتهای انرون وورد کام در ایالات متحده دانست. از مهمترین اقدامات به منظور پیشگیری از تکرار اینگونه ضایعات، تصویب قانون ساربینز اکسلی است که حاوی ضوابط سختگیرانه امر گزارشگری مالی و بخشی برای تامین شفافیت در نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی عام و عملکرد موسسات حسابرسی است (حبیب^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). نظریه اقتصاد سیاسی، بیان می کند شرکتها از روابط بین گروههای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تأثیر می گیرند؛ بنابراین، شناخت روابط بین گروههای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به منظور درک ویژگیهای درحال تغییر شرکتهای تجاری، لازم و ضروری است. حضور هیئت مدیره و مدیران دارای ارتباطات سیاسی ممکن است به دلیل حفظ خوشنامی و حسن شهرت و اعتبار خود نظارت کافی بر صورتهای مالی داشته باشند و این اطمینان را به سهامداران بدهد که وجود ارتباطات سیاسی شرکت، کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می بخشد. از آنجا که دولت، اصلی ترین حامی اقتصاد هر کشور، همواره نقش قیم را

حاکمیت شرکتی به کیفیت، شفافیت، اعتماد و اطمینان در روابط سهامداران، هیئت مدیره، مدیریت و کارمندان اشاره دارد که میزان قدرت و مسئولیت هر یک از این ها را در ارائه ارزش پایدار به همه سهامداران معین می کند. به منظور جذب سرمایه - های مالی و انسانی برای شرکت و نیز حصول اطمینان از پایداری خلق ارزش، سیاستهای شرکت باید طوری تعیین شود که اعتماد تمامی سهامداران را جلب کند. حاکمیت شرکتی مناسب، روابط قابل اعتماد بین شرکت و ذینفعان آن را تضمین می کند. هدف حاکمیت شرکتی خوب، دستیابی به پایداری، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، عدالت، شفافیت و اثربخشی در تمام قسمت های یک شرکت و یا سازمان است (اصول حاکمیت شرکتی). مهمترین عنصر در ساختار شرکت های بزرگ، هیئت مدیره است. مسائلی مانند ترکیب اعضای هیئت مدیره، مسائلی که هیئت مدیره بر آن تمرکز دارد، فرآیندهای تصمیم گیری و نیز آموزش چگونگی بهبود مستمر، بر کیفیت تصمیم گیری و مدیریت تأثیر می گذارد (ادمن و همکاران)^۱. حاکمیت شرکتی مجموعه ای از فرآیندها، عرفها، سیاستها، دستورالعملها و قوانین و مقرراتی است که نحوه هدایت، مدیریت و کنترل شرکت را تحت تأثیر قرار داده و از طرف دیگر حاکمیت شرکتی هم چنین شامل ارتباطات میان ذینفعان شرکت و اهدافی است که شرکت جهت نیل به آن ها فعالیت می کند. در سال های اخیر، به دنبال بحران و رسوایی های مالی تعدادی از شرکت های بزرگ مثل انرون و ورد کام اعتماد عمومی به گزارشگری مالی کاهش یافته و نیاز به اجرای ساز و کارهای بهبود گزارشگری مالی را ملموس تر ساخته است این شرایط منجر به تقاضای بیشتری در خصوص شفافیت بیشتر اطلاع ها شده رسانی و گزارشگری مالی شرکت است در این میان، نظام راهبری شرکتی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای پاسخگویی به این تقاضا مورد توجه خاص واقع شده است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، حاکمیت شرکتی را این گونه تعریف می کند که در مورد روابط میان مدیریت، اعضای هیئت مدیره، سهامداران و سایر ذی نفعان بوده، ساختاری را فراهم می کند که از طریق آن اهداف شرکت تنظیم و روش های دستیابی به آن اهداف و نظارت بر عملکرد تعیین شود. مالکیت شرکتی از طریق مالکیت سهام، تأثیر چشمگیری بر روش کنترل شرکتها داشت. بدین ترتیب، مالکان اداره شرکت را به مدیران

برای واحدهای اقتصادی در هر جامعه دارد؛ از این رو ارتباطات سیاسی با دولت به طور گسترده در اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد و در بسیاری از کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکای لاتین مشاهده شده است. در ایران نیز دولت نقش بزرگی در اقتصاد دارد و وجود ارتباطات سیاسی با دولت در برخی شرکتها مشاهده می شود و به دنبال این روابط، همانند سایر کشورها، بر سیاستهای تأمین مالی و ساختار سرمایه، اطلاعات و گزارشگری مالی شرکتها، می تواند تأثیرگذار باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷).

هدف تحقیق حاضر بررسی اثرات شفافیت اطلاعات مالی، ارتباطات سیاسی و معاملات با افراد وابسته بر حاکمیت شرکتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی هشت ساله (۱۴۰۰-۱۳۸۴) می باشد. متغیر وابسته تحقیق متغیرهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که بر مبنای شاخص های حاکمیت شرکتی و شاخص های عملکردی شرکتها (رشد درآمد، رشد سود مالیات، رشد سود خالص، بازده دارائیهها و بازده حقوق صاحبان سهام) تعیین شده است. متغیرهای مستقل نیز شامل میزان ارتباطات سیاسی و معاملات با افراد وابسته، نقدینگی دارایی های جاری شرکتها، شاخص نقدشوندگی سهام شرکتها، اصل افشای اطلاعات، اهرم-های مالی، اندازه شرکتها، میزان درآمد شرکتها می باشد. این تحقیق در پنج بخش تنظیم شده که در بخش اول و دوم ارائه مقدمه ای بر حاکمیت شرکتی و پیشینه تحقیق و مبانی نظری بوده و در بخش های سوم و چهارم ارائه مدل تحقیق و تحلیل آن و در نهایت با نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات در بخش پنجم پایان می یابد.

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

مفهوم اولیه حاکمیت شرکتی از واژه لاتین (GUBERNUR) به معنای هدایت کردن گرفته شده که معمولاً برای هدایت یک کشتی به کار می رود و دلالت بر این دارد که این مفهوم به راهبری تمرکز دارد تا کنترل. بررسی مباحث نظری مربوط به این مفهوم نشان می دهد که توافق اساسی در خصوص این موضوع وجود نداشته و بعضاً تعاریف به عمل آمده توسط نهادها یا افراد تفاوت هایی با یکدیگر دارند؛ به گونه ای که برخی از یک دیدگاه محدود حاکمیت شرکتی را صرفاً در رابطه شرکت و سهامداران تعریف می نمایند و در طیفی گسترده تر صورت شبکه این مفهوم به ای از روابط تعریف می گردد که نه تنها یک شرکت و مالکان

(صاحبان سهام) آن را، بلکه تمام ذی نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، مردم، جامعه و غیره را در بر می گیرد (کوکوی، ۱۹۹۲). سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر اطلاعات افشا شده توسط شرکت برای سهامداران آن اثر می گذارند و احتمال عدم افشای کامل و مطلوب اطلاعات و افشای اطلاعات کم اعتبار را کاهش می دهند. در صورت وجود نظارت مؤثرتر هیئت مدیره بر مدیریت، کیفیت و کفایت اطلاعات منتشر شده توسط مدیریت افزایش می یابد. بهبود کیفیت افشای شرکت باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی مدیریت سود کمتر را به همراه دارد. در این پژوهش، بر جنبه های مختلف محیط اطلاعاتی تأکید شده و اثر کیفیت حاکمیت شرکتی بر محیط اطلاعاتی در زمان اعلامیه های سود بررسی می شود. در بازارهای سرمایه، تنها راه دستیابی بسیاری از سرمایه گذاران به اطلاعات، اعلامیه ها و اطلاعیه هایی است که از جانب شرکت ها منتشر می شود (مانند اعلام سود پیش بینی شده هر سهم). حاکمیت شرکتی مناسب، موجبات افشا و گزارشگری بموقع توسط شرکت ها را فراهم می کند حاکمیت شرکتی، حصول اطمینان از عدم وقوع رفتار فرصت طلبانه است که از طریق کاهش مشکلات نمایندگی و اطلاعات نامتقارن بالقوه بین نماینده (مدیر) و ذی نفعان مختلف (سهام داران و اعتبار دهندگان بالقوه و غیره) تحقق می یابد. کاهش این گونه مشکلات، باعث افزایش رغبت سهامداران به معامله در این بازارها و افزایش نقدشوندگی سهام در بازار می گردد. کمیت، کیفیت و بموقع بودن اطلاعات افشا شده از سوی راهبران شرکت، یکی از مهمترین ابزارهای تصمیم گیری از سوی سرمایه گذاران زمانی که اطلاعات از طریق راهبران شرکت به عموم عرضه می گردد، این اطلاعات توسط معامله گران، سرمایه گذاران و تحلیل گران بررسی و تجزیه و تحلیل می گردد و بر این اساس، نسبت به خرید و فروش سهام شرکتها تصمیم گیری می نمایند. نحوه برخورد سرمایه گذاران با این اطلاعات و تصمیمات آنها، حجم عرضه و تقاضا یا به نوعی عمق بازار و قیمت های پیشنهادی جهت خرید و فروش را شکل می دهد به عبارتی، نظام راهبری شرکتی منسجم و ساختار یافته، از طریق ارتقای سطح کیفی اطلاعات و شفافیت نقش مهمی در جهت دهی تصمیمات سرمایه گذاران و بازیگران بازار سرمایه داشته، موجبات ایجاد بازارهای سرمایه ای با نقدشوندگی و آورد عمق بالا را فراهم می آورد. نقدشوندگی یکی از مهمترین معیارهای مورد توجه سرمایه گذاران می باشد. نقدشوندگی دارایی ها عبارت است از توانایی معامله

انجام دهند که اشخاص غیر وابسته انجام نمی دهند. به دلایل مذکور، آگاهی از معاملات، مانده حساب‌های فی مابین و رابطه با اشخاص وابسته ممکن است بر ارزیابی استفاده کنندگان صورت‌های مالی از عملیات واحد تجاری شامل ارزیابی ریسک و فرصت‌های پیش روی واحد تجاری، تاثیر بگذارد (سرلک و اکبری، ۱۳۹۲).

اطلاعات گرانبهارترین عنصر سرمایه است که سرمایه‌گذاران با اتکا بر این اطلاعات می‌توانند از فرصت‌های سودآور بازار، حداکثر بازدهی را کسب نمایند. اطلاعات در صورتی سودمند است که منجر به تغییر در باورها و واکنش‌های سرمایه‌گذاران شود و علاوه بر آن بتوان درجه سودمندی اطلاعات را بر اساس تغییرات در قیمت‌ها پس از انتشار اطلاعات، اندازه‌گیری نمود. یکی از مهمترین اطلاعات مورد نیاز، اطلاعات حسابداری است که محصول نظام اطلاعات حسابداری می‌باشد. انتظار می‌ورد که سرمایه‌گذاران هر چقدر بیشتر از اطلاعات حسابداری استفاده کنند، تصمیمات منطقی‌تر و مناسب‌تری اتخاذ نمایند (تهرانی و همکاران ۱۳۸۵). اطلاعات حسابداری از طریق متن صورتهای مالی، یادداشتهای توضیحی صورت‌های مالی و سایر گزارش‌هایی مانند گزارش فعالیت هیات مدیره ارائه می‌شوند. مجموعه کامل صورتهای مالی شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت سود و زیان جامع و صورت جریان وجوه نقد و یادداشت‌های توضیحی می‌باشد. یادداشت‌های توضیحی محل ارائه اطلاعات بیشتر درباره سرفصل‌های ارائه شده در متن صورت‌های مالی و همچنین سایر اطلاعات لازم برای درک و تفسیر بهتر این صورتهاست (بزرگ اصل، ۱۳۸۵). از جمله این اطلاعات رویدادهای پس از تاریخ ترازنامه، بدهی‌های احتمالی و معاملات با اشخاص وابسته است. به جهت اهمیت معاملات با اشخاص وابسته استانداردهای حسابداری افشای آن را اجباری کرده است. معاملات اشخاص وابسته، همواره از راههای تاثیر گذار در سود‌های گزارش شده بنگاه‌های اقتصادی بوده است. در سال ۲۰۰۱ شرمین و یانگ، شش عرصه‌ی پرخطر را شناسایی نمودند که امکان وقوع حسابداری متهورانه در آنها بیشتر است. یکی از آن عرصه‌ها، معاملات با اشخاص وابسته می‌باشد. زیرا این عامل به شرکت اجازه می‌دهد تا بصورت خود سرانه سودهای خود را کاهش یا افزایش دهد یا اینکه آن را تحریف نماید. گوردن و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که بعضی از انواع معاملات اشخاص وابسته می‌تواند با انگیزه مدیریت سود و تحریف نتایج و نحوه عملکرد شرکت‌ها باشد. مدیران برای مدیریت سود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌نمایند که یکی

سریع حجم بالایی از اوراق بهادار با هزینه پایین و تأثیر قیمتی کم می‌باشد. تأثیر قیمتی کم به این معنی است که قیمت‌های در فاصله میان سفارش تا خرید، تغییر چندانی نداشته باشد. اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام یکی از معیارهای مهم نقدشوندگی بازار سرمایه محسب-وب می‌شود. اکثر سرمایه‌گذاران (با افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت) سهام بسیار نقد شونده را بر سهام کم نقد شونده ترجیح می‌دهند. از ویژگی اصلی بازارهای نقد (دارای نقد شوندگی بالا)، اندک بودن فاصله قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش است هرچه اختلاف یا فاصله قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام کمتر باشد، خریدار و فروشنده زودتر به قیمت تعادلی می‌رسند و حجم معاملات سهام افزایش می‌یابد و این امر منجر به افزایش نقدشوندگی بازار سهام می‌شود (فلروکیز، ۲۰۲۰).^۱

نقش اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌گیرندگان در بازار سرمایه از طریق معاملات اشخاص وابسته نسبت به سایر معاملات، اهمیت افشای اطلاعات معاملات اشخاص وابسته را نشان می‌دهد. هدف از افشای اطلاعات مزبور، آگاهی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از ماهیت این معاملات یا مانده‌ها و آثار احتمالی و واقعی آنهاست. گزارش‌های مالی یکی از مهمترین خروجی‌های سیستم حسابداری است و یکی از اهداف آن فراهم کردن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توان سودآوری بنگاه اقتصادی است. شرط لازم جهت دست‌یابی به این هدف، ارائه اطلاعات به نحوی است که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش‌بینی فعالیت‌های آتی بنگاه اقتصادی موثر افتد. از طرفی آگاهی از عوامل تاثیرگذار بر عملکرد یک شرکت، توانایی بیشتری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات شرکت و اتخاذ بهترین تصمیم به استفاده‌کننده اطلاعات می‌دهد. رابطه با شخص وابسته می‌تواند بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری تاثیر داشته باشد. بسیاری از معاملات با اشخاص وابسته در روال عادی عملیات واحد تجاری انجام می‌شود. در چنین شرایطی ممکن است خطر تحریف با اهمیت ناشی از این معاملات در صورت‌های مالی، بیشتر از معاملات مشابه با اشخاص غیر وابسته نباشد. با این وجود ممکن است در برخی شرایط ماهیت روابط و معاملات با اشخاص وابسته به گونه‌ای باشد که خطر تحریف‌های با اهمیت آن در صورت‌های مالی بیشتر از خطر تحریف‌های با اهمیت معاملات با اشخاص غیر وابسته باشد، چرا که اشخاص وابسته ممکن است معاملاتی

^۱ Florackis, C., Ozkan, A., 2020

می‌دارند: نگرش رفتار فرصت طلبانه (تئوری نمایندگی) که با مفهوم انتقال ثروت مرتبط است و نگرش رفتار کارآ (فرضیه معاملات کارآ) که با مفهوم تقویت مرتبط است.

نظریه اقتصاد سیاسی، از نیمه دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبرالیسم، وارد متون اقتصادی جهان شد. این نظریه نه تنها مورد توجه و سیاست اقتصاددانان مداران واقع شده است، بلکه جامعه شناسان نیز آثاری در بسط و توضیح این نظریه ارائه داده اند. بر اساس این نظریه اقتصاد و سیاست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. این به این معنا است که فعالیت و تصمیم‌گیری‌ها سیاسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی و بر عکس دارند (مهدی فرد و رویایی، ۱۳۹۴).

به اعتقاد فیس من^۱ (۲۰۰۱) روابط سیاسی در مقایسه با پایه‌های اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین‌کننده سودآوری شرکت در کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه است، او معتقد است که عایدات شرکت‌های دارای روابط سیاسی به طور گسترده تحت تأثیر تصمیمات دولتی قرار دارد، که علایق آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. در شرکت‌های دارای روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد، زیرا روابط سیاسی منجر به دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانک‌های تحت تملک دولت می‌گردد (بوباگری و دیگران^۲، ۲۰۱۲). نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکتی‌ها عبارت‌اند از وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه دولتی. این متغیر با بررسی دقیق یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی از طریق شناسایی مدیرعامل، اعضای هیئت مدیره، سهامداران عمده، اشخاص وابسته و اشخاص در تعامل با شرکت‌های نمونه به انحصار گونه‌گون صورت می‌پذیرد (لی و وانگ^۳، ۲۰۱۶). یکی دیگر از معیارهایی که در تحقیقات اخیر برای اندازه‌گیری ارتباط سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است، معیار بدهی بلندمدت می‌باشد، مطالعات متعدد (مانند فان و همکاران^۴، ۲۰۰۸، فان و وانگ^۵، ۲۰۰۶). نشان داده است که ارتباط سیاسی بیشتر در شرکت‌ها، باعث می‌شود که فرصت دسترسی شرکت‌ها به منابع بلندمدت و کم‌هزینه تر فراهم شده و در نتیجه در شرکت‌های با ارتباط سیاسی بالاتر، نسبت بدهی‌های بلندمدت بیشتر می‌گردد (لین و همکاران^۶، ۲۰۱۵).

از آنها معاملات با اشخاص وابسته می‌باشد. در ادبیات حسابداری، دستکاری سود را مدیریت سود می‌نامند. تحقیقات انجام شده در مورد نقش معاملات اشخاص وابسته بر عملکرد شرکت‌ها به نتایج متضادی منجر شده است. به طوری که نمیتوان گفت معاملات اشخاص وابسته به طور قطعی بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر مثبت و یا منفی دارد. از دلایل ایجاد این تضاد می‌تواند نوع ساختار اصول راهبری شرکت‌ها باشد. یعنی با توجه به نوع ساختار اصول راهبری و وجود انواع کنترل‌های داخلی در واحد تجاری معاملات اشخاص وابسته می‌تواند مفید یا مخرب باشد (کامیابی و همکاران، ۱۳۹۱).

تئوری اثباتی حسابداری توسط واتس و زیمرن معرفی و رواج یافته است و اصطلاحی است از تئوری اقتصادی نئوکلاسیک، اساس این تئوری در اندیشه انتخاب معقول تئوری است یعنی نفع شخصی عمده (که معمولاً به عنوان رفتار فرصت طلبانه اشاره می‌شود) مبنای همه فعالیت‌های اقتصادی است. در تئوری اثباتی حسابداری، مؤسسه بازرگانی بر حسب مجموعه‌ای از قراردادهای تعریف می‌شود. قراردادها، برای به دست آوردن سود شخصی افراد که همکاری با شرکت را پذیرفته‌اند، ضروری است. برای مثال قراردادهای با مدیران، تهیه‌کنندگان سرمایه و کارکنان (شامل مدیران) همچنین قراردادهای برای کشف این که بخش‌های انفرادی به منظور حداکثر سازی منافع مالکان عمل می‌کنند، ضروری است. تئوری اثباتی حسابداری بر این فرض اقتصادی مبتنی است که مدیران، سهامداران و قانون‌گذاران افراد منطقی هستند و می‌کوشند منافع خود را به حداکثر برسانند. آنها برای حداکثر کردن ثروت خود به هزینه‌های قراردادهای، هزینه‌های نمایندگی، هزینه‌های اطلاعات، هزینه‌های ورشکستگی و هزینه‌های سیاسی توجه دارند. از این رو مدیریت سیاست و رویه حسابداری که انتخاب می‌کند بر اساس تجزیه و تحلیل و مقایسه منافع و مخارج حاصل از رویه‌های حسابداری قرار دارد. بنابراین در این تئوری، نفع شخصی، دلیلی برای انتخاب فنون و روش‌های حسابداری و خط مشی تصمیمات است (گیف‌کین، ۲۰۰۷). تئوری اثباتی قویاً به فرضیات کارائی بازار یعنی واکنش بازار سرمایه نسبت به اطلاعات حسابداری و نقش و توافقات قراردادی در کاهش تضادها و تعارض‌های موجود در واحد تجاری که این خود از تئوری نمایندگی و کارگزاری نشأت گرفته، می‌پردازد. بر اساس این تئوری، دو نگرش نسبت به معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد که هر کدام جنبه‌های متفاوتی از اینگونه معاملات را بیان

⁴ -Fan & et al

⁵ -Fan, G. & Wang

⁶ -Lin & et al

¹ -Fisman

² -Boubakri

³ -Lee, W. & Wang

گسترش روز افزون واحدهای اقتصادی، توسعه فناوری ارتباطات و وجود تضاد منافع، نیازهای نظارتی را به وجود می‌آورد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد تقاضا برای حسابرسی پیش از آن که الزام قانونی مطرح باشد، وجود داشته است. به طور کلی، هدف حسابرسان حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورتهای مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفهای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. همچنین محققان شواهدی را فراهم نموده‌اند که حسابرسی موجب کاهش تضاد نمایندگی و کاهش احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران می‌شود (سلمن، جیل و آریس سلمن (۱۳۸۴)). بنا به استدلال، نظریه تقاضا برای کیفیت حسابرسی از آن جانشی می‌شود که بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران تضاد نمایندگی وجود دارد. هنگامی که هزینه‌های نمایندگی به دلیل عدم تمرکز مالکیت و عدم وجود نظارت مؤثر توسط مالکان افزایش می‌یابد، تقاضا برای حسابرسی‌های با کیفیت بالاتر افزایش می‌یابد (ازیبی^۳ و دیگران، ۲۰۱۲). همچنین، تضاد نمایندگی حتی ممکن است به عدم تقارن اطلاعاتی نیز ختم شود. بنابراین، یکی دیگر از دلایل تقاضا برای حسابرسی را می‌توان عدم تقارن اطلاعاتی دانست.

در حال حاضر سهامداران جزء هیچگونه ابزاری جهت نظارت بر مدیران و حتی اطلاع از مصوبات هیأت مدیره و استرسی به صورتهای مالی کامل ندارند در حالی که در آئین‌نامه شرکتی پیش‌بینی شده که شرکتهای بورسی (که مشمول آئین‌نامه حاکمیتی شرکتهای می‌شوند) باید دارای پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیکی باشند و کلیه اخبار و آمار و اطلاعات مالی را بموقع در اختیار همه سهامداران بگذارند و در هیأت رئیسه مجمع و همچنین در هیأت مدیره شرکت نیز از بین سهامداران جزء نیز نماینده وجود داشته باشد تا احتمال تخلف کسر گردد مضافاً بر آنکه حاکمیت شرکتی در واقع به نوعی محدودیت برای سهامداران عمده و دسترسی سهامداران جزء به اطلاعات و اعمال کنترل مدیریت می‌باشد. مزایای آئین‌نامه حاکمیتی شفاف سازی اطلاعات، رعایت یکسان حقوق صاحبان سهام، برقراری سیستم کنترل‌های داخلی و ارتقای رابطه حسابرسان مستقل با شرکت می‌باشد. سازمانهای بین‌المللی از جمله سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی اصولی را برای حاکمیت شرکتی ارائه نموده‌اند که این اصول در بسیاری از کشورها و شرکتهای بزرگ مبنا و مورد استفاده قرار گرفته‌اند اصول مذکور عبارتند از:

- برخورد یکسان با سهامداران: در چارچوب سیستم حاکمیت شرکتی حقوق کلیه سهامداران اعم از جزء (اقلیت) یا اکثریت یکسان بوده و ضرورت دارد فرصتهای برابری در مورد تأمین حقوق آنها پیش بینی و برقرار شود.
- شفافیت و افشاء: چارچوب این سیستم تأکید دارد که شرکتها می‌بایست اطلاعات مناسب خود را دقیق و به موقع در رابطه با تمام موضوعات مرتبط از جمله عملکرد کلی شرکت، وضعیت مالی، ساختار مالکیت و حاکمیت و نقش و وظیفه مدیران را افشاء و تشریح نماید.
- مسئولیتهای هیئت مدیره: در سیستم حاکمیت شرکتی ضرورت دارد برنامه‌ها و رهنمودهای استراتژیک جهت نظارت مؤثر هیأت مدیره بر مدیران و نحوه پاسخگویی هیئت مدیره به شرکت و سهامداران مشخص شود.
- توجه به نقش کلیه ذینفعان در چارچوب حاکمیت شرکتی تأکید بر این موضوع دارد که حقوق ذینفعان که براساس قوانین یا مبانی دیگر برقرار شده است به رسمیت شناخته شده و در جهت تقویت افزایش ثروت و ثبات شرکتها تلاش نماید.
- تأمین مبنایی برای چارچوب مؤثر حاکمیت شرکتی: چارچوب حاکمیت شرکتی باید توسعه بازارهای شفاف و کارآمد را تسهیل نماید با حاکمیت قانون سازوکار بوده و تقسیم بندی مسئولیتهای بین سازمانهای مختلف مسئول به روشنی تشریح نماید.
- در هر بازار مالی با توجه به گستردگی و عمق بازار، ابزارهای متنوعی جهت سرمایه‌گذاری وجود دارند. سرمایه‌گذاران با عنایت به بازده و ریسک دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری می‌کنند. نرخ تنزیل یا نرخ بازده مورد انتظار هر دارایی، نشانگر بازده از دست رفته تحت شرایط ریسک مساوی ناشی از تحصیل آن دارایی است. یکی از عوامل مؤثر بر ریسک دارایی‌ها، قابلیت نقدشوندگی آنها است. نقش عامل نقدشوندگی در ارزش-گذاری دارایی‌ها حائز اهمیت است، زیرا سرمایه‌گذاران به این موضوع توجه دارند که اگر بخواهند دارایی‌های خود را به فروش برسانند آیا بازار مناسبی برای آنها وجود دارد یا خیر؟ این موضوع تبلور ریسک عدم نقدشوندگی دارایی در ذهن خریدار است که می‌تواند باعث انصراف سرمایه‌گذار از سرمایه‌گذاری شود. هر چه قابلیت نقدشوندگی یک سهم کمتر باشد آن سهم برای سرمایه‌گذاران جذابیت کمتری خواهد داشت، مگر این که بازده بیشتری عاید دارنده آن گردد (جنسن و مک‌کلینگ^۴، ۱۹۷۶).

پیشینه تحقیق

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار سرمایه هر کشور؛ تاثیرپذیری از مسایل سیاسی است. تغییرات سیاسی در بدنه حاکمیت از آنجا که تغییراتی در دیدگاه‌های اقتصادی در پی دارد. تاثیر ملموس و سریعی بر بورس اوراق بهادار می‌گذارد. استدلال بر این است که شرکت‌های دارای روابط گسترده سیاسی، به دلیل برخورداری از شرایط خاص، هزینه‌های کمتری را متحمل می‌شوند. واحدهای تجاری نیز تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند (رهنمای رودپشتی و محسنی، ۱۳۹۷). زیرا این روابط منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازارهای داخلی و بین‌المللی، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسانتر به اعتبارات و تامین مالی، یارانه‌های دولتی در پی دارد، در عوض در شرکت‌های دارای روابط سیاسی ممکن است منافع به دست آمده ناشی از این روابط را با سیاستمداران تسهیم نمایند. این نوع بافت اقتصادی در سطح یک جامعه، اقتصاد مبتنی بر رابطه نامیده می‌شود (ونگ و همکاران، ۲۰۲۰) در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای این روابط است (لی و وانگ^۱، ۲۰۱۶). حمایت سیاسی دولت، ممکن است منجر به ایجاد ارزش برای شرکت شود. برای مثال، شرکت‌هایی که از ارتباط خوبی با دولت برخوردارند، مالیات کمتری می‌پردازند، سهم بازار بیشتری دارند، وام‌های بانکی با سهولت بیشتری برای آنان فراهم می‌شود، دولت در عرضه عمومی سهام، به آنها کمک می‌کند و نسبت به سایر شرکت‌ها، آسان‌تر و با پرداخت هزینه کمتری از امتیازهای مهم بهره‌مند می‌شوند (حبیب^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از منافع بودجه نرم بهره‌مند می‌گردند. بودجه نرم اشاره به جلب حمایت سیاسی و بهره‌مندی از مزایای این حمایت‌ها دارد که این موضوع منجر به افزایش ارزش شرکت آنها می‌شود (کیم و ژانگ^۳، ۲۰۱۶).

بنابراین ضرورت انجام این پژوهش از جنبه‌های معاملات با ارتباطات سیاسی به دلایل ذیل دارای اهمیت می‌باشد:

نظریه اقتصاد سیاسی، بیان می‌کند شرکت‌ها از روابط بین گروه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تاثیر می‌گیرند. در شرکت‌های با روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد؛ زیرا روابط سیاسی سبب دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانک‌های در تملک دولت می‌گردد. در ایران روابط سیاسی ابعاد پرتنگی دارد؛ سیاسی‌بودن مدیران و مالکان بیشتر شرکت‌ها به دلیل

دولتی‌بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر نظام اقتصادی حاکم بر کشور است. این موضوع در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشم‌گیر در سیاست‌های مالی و کیفیت اطلاعات شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی شده است. با توجه به اینکه شرکت‌ها بعد از برقراری ارتباطات سیاسی، دسترسی آسان‌تری به منابع مالی دارند، لذا وجود ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها، تصمیمات سرمایه‌گذاران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، علاوه بر این فرآیند خصوصی‌سازی و کوچ‌سازی دولت و تغییر در ساختار مالکیت موجب تغییر در میزان ارتباطات سیاسی شرکت‌ها شده است.

با پذیرش سیاسی بودن مدیران شرکت‌های دولتی و صنایع بزرگ، می‌توان این انتظار را داشت که مدیریت سیاسی برگزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیرگذار بوده و این تأثیر می‌تواند در دوره‌های مختلف حاکمیتی، به لحاظ متفاوت بودن دیدگاه‌ها و سیاست‌های احزاب سیاسی حاکم، متفاوت باشد. در کشورهایی که از سیستم قانونی و حکومتی محکم و با ثبات برخوردارند، شرکت‌ها نمی‌توانند از طریق روابط و مناسبات سیاسی، برتری قابل توجهی بدست آورند. در این گونه کشورها مقامات دولتی قدرتمند و با نفوذ اگر با نیت تأمین منافع شخصی در جهت تاثیرگذاری بر ارزش اقتصادی^۴ با هزینه‌های سیاسی و قانونی جدی و سنگین مواجه خواهند در مقابل، بنابر مطالعاتی نظیر (الدمازی و کو اسماعیل^۵، ۲۰۱۵؛ لی و وانگ^۶، ۲۰۱۷) مشاهده شده است کشورهایی که سیستم قانونی و حکومتی آنها ضعیف و بی ثبات و فساد اقتصادی در سطح بالایی قرار دارد، روابط سیاسی برای شرکت‌ها مهم و بارز می‌باشد.

ابیوت (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی و ارتباطات سیاسی در کشورهای حوزه خلیج فارس با استفاده از داده‌های ۴۹ بانک فعال بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، به این نتیجه رسید که ارتباطات سیاسی تأثیری بر ارتباط بین کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی ندارد در حالی که کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر معناداری دارد.

اوتامانینگیسی^۶ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان روابط سیاسی، هزینه حسابرسی و گزارشگری مالی در شرکت‌های اروپایی، دریافت شرکت‌های با روابط سیاسی تمایل دارند حساب‌برسان غیربزرگ برای حسابرسی خود برگزینند و دستمزد بیشتر به حساب‌برسان خود پرداخت می‌کنند. همچنین شرکت‌های دارای روابط سیاسی، تأخیر بیشتری در گزارش حساب‌برسان خود دارند.

⁴ Al-dhamari & Ku Ismail

⁵ Lee & Wang

⁶ Utamaningsi

¹ Lee & Wang

² Habib

³ Kim & Zhang

وابسته با ارزش شرکت با تاکید بر نظریه اقتصاد سیاسی پرداختند. جامعه آماری پژوهش استفاده از اطلاعات ۱۲۵ شرکت طی بازه زمانی از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۸ بوده و آزمون فرضیه‌ها از طریق رگرسیون چندگانه و به روش حداقل مربعات تعمیم یافته با رویکرد اثرات ثابت انجام شده است. نتایج نشان داد که ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت تاثیر منفی و معنی داری دارند. همچنین ارتباطات سیاسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت را تشدید می‌کند. به گونه‌ای که وجود معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود. وجود رابطه منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت حاکی از تایید تئوری نمایندگی بوده که بیان می‌دارد این گونه معاملات در راستای فرصت‌طلبی مدیریت و کسب منافع شخصی برای مدیران به کار گرفته می‌شود و موجب متضرر شدن شرکت و سهامداران می‌گردد.

عبداله‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) به تبیین نقش تعدیلی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی پرداختند. جهت انجام این پژوهش، نمونه آماری شامل ۱۵۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ انتخاب گردید. بر اساس روش داده‌های ترکیبی و تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره، یافته‌های پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی منجر به افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود. معاملات با اشخاص وابسته نیز تأخیر در گزارش حسابرسی را افزایش داده و همچنین منجر به تقویت ارتباط میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی شده است؛ که موید این موضوع است که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از معاملات با اشخاص وابسته در جهت پنهان‌سازی برخی معاملات استفاده می‌کنند. نی‌زاده و ابراهیمی روستنجان (۱۳۹۹) تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی ۱۵۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. از این رو نمونه مورد بررسی به روش حذف سیستماتیک در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ گردآوری گردید. تحقیق از نوع کاربردی بوده و از نظر ماهیت و محتوا از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد، ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تداوم دوره تصدی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی تاثیر

حبیب^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی و ارتباطات سیاسی پرداختند. آنها با تبیین مبانی نظری تحقیق نشان دادند ارتباطات سیاسی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی اثر معناداری داشت.

حبیب^۲ و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی ارتباطات سیاسی، معامله با اشخاص وابسته و انتخاب حسابرسی پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، موسسات بزرگ را برای حسابرسی انتخاب می‌کنند در حالی که معامله با اشخاص وابسته دنظر باشد چنین رویه‌ای انتخاب نمی‌کنند. آرنینگرام و دینتی^۳ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی و اثربخشی هیئت مدیره و کمیته حسابرسی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی و اثربخشی هیئت مدیره و کمیته حسابرسی و هزینه‌های حسابرسی پرداختند. این تحقیق از نمونه‌های شرکت‌های غیرمالی ثبت شده در بورس اوراق بهادار اندونزی برای دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ استفاده کرد. نتیجه نشان داد که ارتباطات سیاسی بر هزینه‌های حسابرسی تاثیر مثبت می‌گذاشت. همچنین کمیته حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی بر هزینه‌های حسابرسی داشت.

لیو^۴ و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان روابط سیاسی، انتخاب حسابرسی و شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌های چینی به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی ضعیف، احتمال به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا افزایش می‌یابد؛ اما احتمال به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی قوی، کاهش می‌یابد. همچنین رابطه معکوس یو شکل بین ارتباطات سیاسی و شفافیت اطلاعات شرکت‌ها برقرار است.

نارزیاتون^۵ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی پرداختند. نتایج نشان داد همبستگی بین استقلال کمیته حسابرسی، تلاش و تخصص و حق‌الزحمه حسابرسان شرکت‌های وابسته به سیاست قبل از سال ۲۰۱۱ قوی‌تر بود. این بدین معنی بود که شرکت‌هایی که از وابستگی سیاسی برخوردار بودند از حاکمیت شرکتی قوی برخوردار بوده و آمادگی پرداخت حق‌الزحمه بالاتری به حسابرسان داشتند. سامانیان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص

⁴ Liu

⁵ Norziaton

¹ Habib

² Habib

³ Ariningrum & Diyanty

داده می شود و براساس آن شرط، شرکت، انتخاب می گردد بدین ترتیب شرکتهایی که شامل معیارهای زیر باشند در نمونه مورد مطالعه قرار گرفته اند:

(الف) این شرکتها باید قبل از سال ۱۳۸۴ در بورس تهران پذیرفته شده باشند و از ابتدای سال ۱۳۸۴، سهام آنها در بورس معامله شود.

(ب) این شرکتها نباید در طول سالهای (۱۴۰۰-۱۳۸۴) معاملاتشان در بورس، دچار وقفه شده باشد.

(ج) پایان سال مالی این شرکتها باید پایان اسفند ماه هر سال، و شرکت نباید در فاصله (۱۴۰۰-۱۳۸۴) تغییر سال مالی بدهد.

(د) دسترسی لازم به صورتهای مالی وجود داشته باشد و اطلاعات آماری تحقیق از سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران و نرم افزار تدبیر پرداز بدست آمده است.

پس از بررسی ادبیات و مبانی نظری و شرایط فعلی شرکتها فرضیه‌های زیر تدوین شد:

فرضیه اول: بین نوسان‌پذیری سود شرکت، ارتباطات سیاسی و عملکرد فعالیت شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد فعالیت شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین ساختار نهادی شرکت و عملکرد فعالیت شرکت رابطه معنی دار دوطرفه سیستمی وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین نقدشوندگی سهام (شفافیت مالی)، ساختار نهادی و عملکرد فعالیت شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین متغییر شاخص بازدهی سهام و ساختار نهادی شرکتها رابطه معنی داری وجود دارد.

ارائه الگوی مناسب برای آزمون فرضیات تحقیق

$$LQ_{it} = \beta_{11} + \beta_{12}LNE_{it} + \beta_{12}LPCi_{0,t} + \beta_{13}LNI_{it} + \beta_{14}LLIQS_{it} + \beta_{14}LCFC_{it}$$

$$LNI_{it} = \beta_{15} + \beta_{16}LQ_{it} + \beta_{17}LPrt_{i,t} + \beta_{18} LDEBTS_{it} + \beta_{19}LES_{it} + \beta_{110}LBRDSZ_{it}$$

۱. شاخص نقدشوندگی سهام: اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش نسبی سهام که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است با استفاده از فرمول زیر بدست می آید. که در تحقیق آمیهاد و مندلسون^۱(۲۰۰۲)، و نکاتش و چیانگ^۲(۲۰۱۰)،

منفی و معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تخصص موسسه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد ولی نتیجه‌ای مبنی بر تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی یافت نشد.

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با موضوع ارتباطات سیاسی، بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود داده‌های ۱۲۰ شرکت منتخب را بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ با الگوی رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که بین ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین معامله با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه‌ای یافت نشد در حالی که ارتباطات سیاسی رابطه بین معامله با اشخاص وابسته و مدیریت سود را در جهت مثبت تقویت می‌کند.

شایانی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق حاضر به بررسی نقش تعدیل‌کننده ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۰۵ شرکت فعال در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور آزمون فرضیه‌ها نیز از مدل رگرسیونی چند متغیره به روش پانل اثرات ثابت استفاده شده است. همچنین نرم افزار مورد استفاده در پژوهش نرم افزار ایویوز است. نتایج حاصل از فرضیه فرعی اول پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و اقدام تعهدی اختیاری تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج حاصل از فرضیه فرعی دوم پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج حاصل از فرضیه فرعی سوم پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و هزینه‌های تولید غیرعادی تأثیر معناداری ندارد.

ارائه مدل تحقیق و بر آورد مدل

جامعه، نمونه آماری و بیان فرضیه‌ها

این تحقیق، براساس اطلاعاتی از صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۴۰۰) انجام شده است به لحاظ بررسی دقیق تر پس از خارج کردن شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های فعال انتخاب گردیده و به صورتی که در هر مرحله، یک شرط، قرار

² -venkatesh & chuag,2010

1 .Amihud et al.,2002

براون^۱ (۱۹۹۶) و برخی از تحقیقات داخلی به صورت زیرکار گرفته شده است:

$$BA_i = \frac{AP - BP}{\frac{AP + BP}{2}}$$

BA_i : اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش نسبی روزانه سهام، AP : بهترین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت (i) در هر سال، BP : بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت (i) در هر سال. در نهایت از ارقام به دست آمده برای ماههای مختلف سال میانگین گیری می شود و رقم نهایی در تحلیلهای آماری برای سال مورد نظر استفاده می شود.

۲. در پژوهش حاضر، متغیروابط سیاسی ($Pci_{i,t}$) مطابق با مطالعه حبیب و همکاران (۲۰۱۷) و نیکومرام و همکاران (الف) و

ب (۱۳۹۲) بوسیله یک عامل مجازی اندازه گیری می شود بطوریکه اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (بامالکیت ۱۰ درصد یا بیشتر) از شخصیت های وابسته به دولت باشد یک و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می شود.

۳. در پژوهش حاضر، متغیرمعاملات با اشخاص وابسته ($Prt_{i,t}$)، با توجه به این که اطلاعات مربوط به تعداد معاملات با اشخاص وابسته توسط شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران افشا نمی شود، در این پژوهش از ارزش ریالی معاملات انجام شده با اشخاص وابسته به عنوان معیاری جهت ارزیابی معاملات با اشخاص وابسته استفاده شده است.

جدول ۱- تعریف متغیرهای مدل

نماد متغیر	نام متغیر
Q_{it}	شاخص توبین (مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و کل بدهیها تقسیم بر کل داراییها)
NE_{it}	نوسان پذیری سود (انحراف معیار سود)
$Pci_{i,t}$	شاخص ارتباطات سیاسی
$LIQS_{it}$	شاخص نقدشونگی سهام ^۱
CFC_{it}	جریان نقدی آزاد (نسبت ماتفاوت جریان نقدی عملیاتی و مالیات و هزینه تامین مالی و سود تقسیمی بر کل داراییهای ابتدای دوره)
NI_{it}	ساختار مالکیت نهادی (مجموع درصد سهام شرکت که متعلق به بانکها، بیمهها، نهادهای مالی، شرکتهای هلدینگ، سازمانها و نهادها و شرکتهای دولتی میباشد)
$Prt_{i,t}$	معاملات با اشخاص وابسته
$DEBTS_{it}$	شاخص نسبت جبران بدهی (کل بدهی بلندمدت تقسیم بر کل داراییها)
$SIZEH_{it}$	اندازه هیئت مدیره (تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت)
ES_{it}	بازدهی سهام سالانه شرکت (از هشت ماه قبل از سال مالی و پنج ماه بعد از آن)
$BRDSZ_{it}$	نفوذ مدیر عامل (اگر رئیس هیئت مدیره عضو موظف باشد برابر یک و در غیر اینصورت برابر صفر)

آزمون ریشه واحد بر آورد داده های تلفیقی

اغلب مدل های اقتصادسنجی که در دهه های اولیه رشد مورد استفاده قرار می گرفت، بر فرض پایایی سریهای زمانی استوار بود پس از آن که ناپایایی اکثر سریهای زمانی آشکار شد به کارگیری متغیرها به انجام آزمون های پایایی منوط گردید اما این بحث ها پایایی متغیرها و آزمون های آنها در حالتی که داده های ترکیبی مقطعی-سری زمانی استفاده می شود، با حالتی که داده ها به صورت سریهای زمانی است تفاوت عمده ای دارد. آزمون های ریشه واحد در داده های ترکیبی به وسیله کواه (۱۹۹۴) پایه ریزی شد و این مطالعات به وسیله لوین و لین (۱۹۹۲) لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، برینونگ و میرر (۱۹۹۴)

و ایم، پسران وشین (۱۹۹۷) کامل شده است. آزمون ریشه واحد سریهای زمانی به گونه ای است که پایایی یا ناپایایی متغیرها را با استفاده از یک معادله بررسی می کند لوین و لین نشان دادند که در داده های ترکیبی، استفاده از آزمون ریشه واحد برای ترکیب داده ها، دارای قدرت بیشتری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه می باشد. آزمون ریشه واحد متداول در داده های ترکیبی، مانند آزمون دیکی فولر، آزمون دیکی فولر پیشرفته و فلیپس پرون دارای قدرت آماری پایین تری نسبت به آزمون های ریشه واحد در داده های ترکیبی بوده است. قبل از تخمین مدل ابتدا ناپایایی متغیرهای تحقیق را با کمک آزمون مختلف برای دو

1 -Brown,2006

در رابطه فوق، UR، مشخص کننده مدل محدود نشده و علامت P، نشان دهنده مدل پولینگ یا محدود شده با یک عبارت ثابت برای کلیه گروه‌ها می باشد. k ، تعداد متغیرهای توضیحی ملحوظ در مدل، n تعداد مقطع‌ها و $N = nt$ تعداد کل مشاهدات و t دوره زمانی موردنظر می باشد.

$$F(150, 144) = 18/2$$

از آنجایی که F با درجه آزادی ۱۵۰ و ۱۴۴ در سطح احتمال ۹۵ درصد تقریباً برابر ۳/۴۳ است و با توجه به اینکه F محاسبه شده بیشتر از F جدول می باشد، فرضیه H_0 رد شده و اثرات گروه پذیرفته می شود و باید عرض از مبدهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود.

آزمون هاسمن

روش استفاده شده در این تحقیق پانل دیتا^۱ می باشد. با توجه به این که در این روش مدل مورد نظر با یکی از دو حالت اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی تخمین زده می شود، با استفاده از آزمون هاسمن (با توجه به جدول زیر) مدل با استفاده از اثرات ثابت با رویکرد سیستمی (SUR) تخمین زده شده است.

جدول ۳- اثرات تصادفی در مقابل اثرات ثابت

χ^2	۸.۲۰
P-value	۰.۰۰۱

آزمون ناهمسانی واریانس

روشهای مختلفی برای آزمون واریانس ناهمسانی وجود دارد آزمون ضریب لاگرانژ راحت ترین و مناسب ترین راحل برای آزمون واریانس ناهمسانی می باشد زیرا نیاز به انجام برآورد اضافی جهت انجام آزمون را ندارد.

فرضیه‌ای که در نظر گرفته می شود به صورت ذیل است:

$$H_0: \sigma_i^2 = \sigma^2$$

$$H_1: \sigma_i^2 \neq \sigma^2$$

آماره ضریب لاگرانژ (که با تخمین زننده داده های ترکیبی در حالت های مختلف تعیین شدند) به صورت ذیل محاسبه می شود.

$$LM = \sum \left[\frac{T}{nS^2} \left(\frac{S_i^2 - 1}{S^2} \right) \right] \left(\frac{2S^4}{T} \right) = \frac{T}{2} \sum \left[\frac{S_i^2}{S^2} - 1 \right]^2$$

حالت با عرض از مبدها و با عرض از مبدها و روند زمانی آزمون می نماییم در حالی که اغلب مدل های اقتصادسنجی بر فرض پایایی سریهای زمانی استوار بود پس از آن که ناپایایی اکثر سریهای زمانی آشکار شد به کارگیری متغیرها به انجام آزمون های پایایی منوط گردید اما این بحث ها پایایی متغیرها و آزمون های آنها در حالتی که داده های ترکیبی مقطعی و سری زمانی استفاده می شود، با حالتی که داده ها به صورت سریهای زمانی است تفاوت عمده ای دارد. آزمون های ریشه واحد در داده های ترکیبی برای اکثر متغیرها در مقدار سطح مانا شدند. نتایج مربوط به آزمون پایایی متغیرها در این تحقیق با استفاده از نرم افزار اقتصادسنجی با روش های مختلف ترکیبی انجام و در پیوست آورده شده است. و از طرفی به لحاظ اقتصادسنجی برآورد مورد نظر را کارا و بدون تورش نشان می دهد. این تحقیق بررسی بررسی اثرات شفافیت اطلاعات مالی، ارتباطات سیاسی و معاملات باافراد وابسته بر حاکمیت شرکتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۴۰۰) انجام یافته است. لوین و لین (۱۹۹۲) و دیکی فولر آزمون ریشه واحد را به صورت ذیل بیان کرده اند:

$$\Delta X_{it} = \rho_i X_{it-1} + \delta t + \alpha_i + \varepsilon_{ij}$$

$$T=1,2,\dots,T, I=1,2,\dots,N$$

$$\Delta X_{it} = \rho_i X_{it-1} + \delta t + \alpha_i + \sum_{j=1}^{li} \theta_{ij} \Delta X_{it-j} + \varepsilon_{ij}$$

که در آنها N تعداد مقطع ها، T دوره زمانی، ρ_i پارامتر خود همبسته برای هر مقطع، δ اثر زمان، α_i ضریب ثابت برای هر مقطع و ε_{ij} خطای مدل که دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس δ^2 است. در نهایت نتایج آزمون های ریشه واحد با فرضیه آزمون ذیل به صورت ذیل بوده است.

$$\begin{cases} H_0: \rho_i = 0 \\ H_1: \rho_i = \rho < 0 \end{cases}$$

آزمون معنی دار بودن گروه

برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدها جداگانه برای هر یک از جفت کشورها از آماره F بصورت زیر استفاده شد:

$$H_0: \alpha_0 = \alpha_1 = \dots = \alpha_k = \alpha$$

$$H_1: \alpha_i \neq \alpha_j$$

$$F(n-1, nt-n-k) = \frac{(RSS_{UR} - RSS_P)/(n-1)}{(1 - RSS_{UR})/(nt-n-k)} = \frac{\frac{R_U^2 - R_P^2}{n-1}}{\frac{1 - R_U^2}{nt-n-1}}$$

تحلیل مدل تحقیق

$$LM = 217/26$$

نتایج حاصل از کاربرد مدل اصلاح شده وانگ^۱ و همکاران، (۲۰۲۰) و وی ایکسون^۲ (۲۰۱۲) جهت بررسی بررسی اثرات شفافیت اطلاعات مالی، ارتباطات سیاسی و معاملات با افراد وابسته بر حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روشهای برآورد داده‌های ترکیبی به دو روش سیستمی و با اثرات ثابت به صورت جدول زیر ارائه و مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

این آماره با توزیع کای-دو با $n - 1$ درجه آزادی مقدار واریانس برای آزمون را برای هر مقطع و در حالت کلی بدست آورده و با مقدار آماره جدول مقایسه می‌کنیم در صورت عدم رد فرض اولیه دارای مشکل واریانس ناهمسانی در برآورد ها نخواهیم بود و مقدار آماره این آزمون را پس از محاسبه به صورت ذیل ارائه می‌کنیم:

جدول ۳- نتایج برآورد مدل تخمین با استفاده از اثرات ثابت و سیستمی رگرسیونهای نامرتب (SUR)

متغیر وابسته (Q_{it}) توبین		متغیر وابسته (NI_{it}) ساختار نهادی		علامت مورد انتظار	متغیرهای تحقیق
مدل (۴- سیستمی)	مدل (۳- اثرات ثابت)	مدل (۲- سیستمی)	مدل (۱- اثرات ثابت)		
0.13844 t=(4.50)	0.1855 t=(2.54)	0.44583 t=(6.40)	-0.71151 t=(-4.22)	معنی دار	عرض از مبدا
-	-	0.32803 t=(4.44)	0.87152 t=(2.42)	+	LQ_{it}
0.3521 t=(2.38)	-0.2854 t=(-5.88)	-	-0.19151 t=(-3.32)	-	LNE_{it}
0.53802 t=(3.52)	0.8854 t=(4.58)	-	0.77159 t=(2.12)	+	$LPcio_{it}$
0.32804 t=(2.52)	0.5899 t=(6.65)	-	0.11153 t=(5.52)	+	$LLIQS_{it}$
804.0.3 t=(8.48)	0.27315 t=(5.58)	-	0.24154 t=(4.33)	+	$LCFC_{it}$
0.33804 t=(7.38)	0.6868 t=(8.95)	-	-	+	LNI_{it}
-	0.6554 t=(6.85)	0.62483 t=(7.40)	0.5152 t=(4.45)	+	$LPr_{t,t}$
-	-0.2854 t=(-2.54)	-0.14583 t=(-5.74)	-0.17159 t=(-6.42)	-	$LDBTS_{it}$
-	0.2854 t=(2.54)	0.13852 t=(8.48)	0.24159 t=(7.41)	+	$LSIZEH_{it}$
-	0.4885 t=(3.85)	0.34583 t=(6.40)	0.17149 t=(9.82)	+	LES_{it}
-	0.6554 t=(2.58)	0.12583 t=(6.40)	0.41225 t=(4.42)	+	$LBRDSZ_{it}$
0.972541	0.942541	0.961252	0.951411		ضریب تشخیص
24.85	18.74	16.84	18.32		آماره (F)
1.73	1.95	1.85	1.25		آماره دوربین - واتسون
1560	1550	1560	1550		تعداد مشاهدات
16	16	16	16		تعداد دوره
150	150	150	150		تعداد مقطع ترکیبی

منبع : یافته های محقق

متغیر ارتباطات سیاسی در شرکتهای اروپایی و نوسان پذیری سود با شاخص عملکرد به ترتیب رابطه‌ی مثبت و منفی معنی داری وجود دارد. لارنيس و دیگران^۴ (۲۰۱۶) معتقدند متغیرهای ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته

ارتباطات سیاسی

با توجه به فرضیه اول تحقیق رابطه بین نوسان پذیری سود شرکت، ارتباطات سیاسی و عملکرد فعالیت شرکت و براساس مطالعات کینکا و دیگران^۳ (۲۰۱۵) طی تحقیق نشان دادند بین

3 - Cinea
4 - Lawrence

¹ Wang-2020
² - Wei-Xuan Li et al.,2012

در بورس دارند به طوری که چنانچه ساختار نهادی شرکت‌های سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص عملکرد شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۶۸/۳۰) درصد افزایش خواهد یافت.

متغیر ارتباطات با اشخاص وابسته شرکت

این متغیر براساس فرضیه چهارم و اول که بین متغیرهای بین متغیر ارتباطات با اشخاص وابسته شرکت و عملکرد فعالیت شرکت رابطه وجود دارد. و براین اساس نتایج برآوردها نشان می‌دهند که در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی دارای اثرات مثبتی بر ساختار نهادی و شاخص عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس دارند به طوری که چنانچه شاخص متغیر ارتباطات با اشخاص وابسته شرکت به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص عملکرد شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۶۵/۵۱) درصد افزایش خواهد یافت.

متغیر شاخص اتکاء بدهی شرکت

این متغیر براساس فرضیه پنجم که بین متغیرهای بین اتکاء بدهی شرکت و ساختار نهادی شرکت رابطه وجود دارد. و براین اساس نتایج برآوردها نشان می‌دهند که در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی دارای اثرات منفی بر ساختار نهادی و شاخص عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس دارند به طوری که چنانچه شاخص متغیر شاخص اتکاء بدهی شرکت-های سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص ساختار نهادی شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۱۴/۱۷) درصد افزایش خواهد یافت.

متغیر نقدشوندگی سهام

با توجه به اینکه متغیر نقدشوندگی سهام شرکت در ارتباط مستقیم با عملکرد شرکت و ساختار نهادی آن می‌باشد لذا این متغیر براساس فرضیه سوم و چهارم که بین متغیرهای بین متغیر نقدشوندگی سهام و ساختار نهادی شرکت رابطه مثبتی وجود دارد. و براین اساس نتایج برآوردها نشان می‌دهند که در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی دارای اثرات مثبتی بر ساختار نهادی و شاخص عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس دارند به طوری که چنانچه شاخص متغیر شاخص اتکاء بدهی شرکت سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص ساختار نهادی شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۵۸/۱۱) درصد افزایش خواهد یافت.

شرکت‌های استرالیایی و شاخص عملکرد شرکت‌ها بایکدیگر رابطه مثبتی دارد. بخاری و دیگران^۱ (۲۰۱۵) طی تحقیق نشان دادند در کشور انگلستان شرکت‌های بزرگ‌تر نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر در سودآوری با ثبات‌تر و با ارتباطات سیاسی گسترده عملکرد بهتری دارند و سودآوری شرکت‌های کوچک‌تر بیشتر تابع شرایط و نوسان‌های بازار است که در این تحقیق با توجه به مقدار ضریب مثبت آن شاخص عملکرد توبین نشان می‌دهد که حاکی از آن است که چنانچه متغیر ارتباطات سیاسی شرکت‌های سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص عملکرد شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۵۵/۸۸) درصد افزایش خواهد یافت.

نوسان پذیری سود شرکت‌های سهامی

این متغیر نیز براساس فرضیه اول تحقیق که بین نوسان پذیری سود شرکت و عملکرد فعالیت شرکت رابطه منفی وجود دارد. برآورد نتایج در دو حالت مثبت و سیستمی حاکی از تاثیر منفی بر شاخص عملکرد و ساختار نهادی شرکت بوده است و از طرفی نشان می‌دهد که چنانچه نوسان پذیری سود شرکت‌های سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص عملکرد شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۲۸/۳۵) درصد افزایش خواهد یافت.

جریانان نقدی آزاد شرکت

این متغیر براساس فرضیه سوم که بین متغیرهای جریانان نقدی آزاد شرکت و عملکرد فعالیت شرکت رابطه وجود دارد. و براین اساس نتایج برآوردها نشان می‌دهند که در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی دارای اثرات مثبتی بر ساختار نهادی و شاخص عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس دارند به طوری که چنانچه جریانان نقدی آزاد شرکت سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص عملکرد شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۲۴/۲۷) درصد افزایش خواهد یافت.

ساختار نهادی شرکت و عملکرد فعالیت شرکت

این متغیر براساس فرضیه سوم تحقیق که بین ساختار نهادی شرکت و عملکرد فعالیت شرکت رابطه دوطرفه سیستمی وجود دارد. براین اساس نتایج برآوردها نشان می‌دهند که در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی دارای اثرات مثبتی بر ساختار نهادی و بالعکس بر شاخص عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده

^۱ Bokhari

متغیر اندازه هیت مدیره شرکت

با توجه به اینکه متغیر اندازه هیت مدیره شرکت در ارتباط مستقیم با عملکرد شرکت و ساختار نهادی آن می باشد لذا این متغیر بر اساس فرضیه چهارم که بین متغیرهای بین متغیر اندازه هیت مدیره و ساختار نهادی شرکت رابطه مثبتی وجود دارد. و بر این اساس نتایج برآوردها نشان می دهند که در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی دارای اثرات مثبت بر ساختار نهادی و شاخص عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس دارند به طوری که چنانچه شاخص متغیر اندازه هیت مدیره شرکت شرکت‌های سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص ساختار نهادی شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۱۳/۲۴) درصد افزایش خواهد یافت.

متغیر شاخص نفوذ مدیر عامل شرکت

با توجه به اینکه متغیر شاخص نفوذ مدیر عامل شرکت در ارتباط مستقیم با عملکرد شرکت و ساختار نهادی آن می باشد لذا این متغیر بر اساس فرضیه سوم و چهارم که بین متغیرهای بین متغیر اندازه هیت مدیره و ساختار نهادی شرکت رابطه مثبتی وجود دارد. و بر این اساس نتایج برآوردها نشان می دهند که در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی دارای اثرات مثبت بر ساختار نهادی و شاخص عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس دارند به طوری که چنانچه شاخص متغیر شاخص نفوذ مدیر عامل شرکت شرکت‌های سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص ساختار نهادی شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۶۵/۴۱) درصد افزایش خواهد یافت.

متغیر شاخص بازدهی سهام

با توجه به اینکه متغیر شاخص بازدهی سهام شرکت در ارتباط مستقیم با عملکرد شرکت و ساختار نهادی آن می باشد لذا این متغیر بر اساس فرضیه پنجم که بین متغیر شاخص بازدهی سهام و ساختار نهادی شرکتها رابطه مثبت وجود دارد. و بر این اساس نتایج برآوردها نشان می دهند که در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی دارای اثرات مثبت بر ساختار نهادی و شاخص عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس دارند به طوری که چنانچه شاخص متغیر شاخص بازدهی سهام شرکت شرکت‌های سهامی به مقدار یک واحد افزایش یابد میزان شاخص ساختار نهادی شرکت در دو حالت اثرات مثبت و سیستمی به اندازه (۰/۰،۴۸/۱۷) درصد افزایش خواهد یافت.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

نتایج به دست آمده از پژوهش بیانگر آن است که اگر عوامل نوسان پذیری سود شرکت، ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته، میزان نقدشوندگی سهام شرکت، جریان نقدی آزاد، اندازه شرکت و اندازه هیت مدیره شرکت‌ها تغییر کنند تاثیر همه متغیرها به غیر از متغیرهای اندازه شرکت‌ها، نوسان پذیری سود و شاخص بار بدهی شرکت‌ها دارای تاثیر مثبتی بر ساختار نهادی و شاخص‌های عملکردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس خواهد داشت و رابطه بین ساختار عملکرد شرکت‌ها و نقدشوندگی سهام و ساختار نهادی (ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته) به صورت سیستمی دوطرفه مثبت ارزیابی می شود. و از طرف دیگر سرمایه گذاران نهادی (ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته) باید نقش فعال تری را در زمینه نظارت و همسو شدن منافع مدیران و سهام داران داشته باشند تا میزان عملکرد صحیح شرکت‌های بورسی با نقدشوندگی بیشتر سهام این شرکت‌ها تاثیر گذاری بیشتری بر حاکمیت شرکتی داشته باشد. علاوه بر حضور افراد موظف هیت مدیره باید اعضای اصلی آن نیز حضور منظم در جلسات داشته باشند تا بتواند تضاد در منافع مدیران و سهام داران را برطرف سازند. لذا با افزایش مسئله نمایندگی، تاثیر معکوسی بر نقدشوندگی سهام و در نتیجه تصمیم‌گیری و ثروت سهامداران در کنار متغیرهای ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته بر عملکرد شرکت‌ها دارد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر، کافی بودن حاکمیت شرکتی می تواند بر کنترل و کاهش هزینه‌های نمایندگی و نهادی در شرکت‌ها شود. لذا پیشنهاد می گردد که با گسترش مطالعات و ادبیات نظری حاکمیت شرکتی فعالان بازار بورس، اعضاء هیئت مدیره شرکت‌ها، سهامداران، شرکت‌های حسابرسی، پژوهشگران با مباحث حاکمیت شرکتی در کنار ساختار نهادی (ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته) شرکت‌ها بیشتر آشنا شده تا بتوانند به نحو مناسبی به ایفای نقش در حاکمیت شرکتی و نتیجتاً تاثیر بر افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بپردازند در نهایت ساختار مالکیت شرکت‌ها و عملکرد آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در طبقه بندی دو ساختار مالکیت نهادی و مالکیت خصوصی وجود دارد، یافته‌ها نشان می دهند که بهتر است مالکیت در اختیار سرمایه گذاران نهادی نباشد، زیرا بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معنی دار مشاهده گردید. در مورد مالکیت خصوصی نیز فقط می توان به وجود رابطه معنی دار اشاره کرد، ولی نمی توان نوع این ارتباط را تبیین کرد. یعنی نمی توان گفت که به گونه کلی، مالکیت خصوصی به بهبود عملکرد شرکت‌ها منجر

فهرست منابع

مهرانی، علی، رسانیان، رضا، بررسی تأثیر ابزارهای نظارتی حاکمیت شرکتی در کاهش شدت مدیریت سود، مجله مدیریت فرایند و توسعه، سال ۱۳۸۸.

نمازی محمد، کرمانی، احسان، تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۷.

جوادیان کوتنایی، سحر و داداشی، ایمان (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و عملکرد بازار محصول در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس ملی مطالعات نوین اقتصاد، مدیریت و حسابداری در ایران، کرج

زارع پور، سینار و فرهادی اندرابی، سویل (۱۳۹۷)، تأثیر ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۱، شماره ۳.

شایانی، سعید، گودرزی، رحیم و گودرزی، کاظم (۱۳۹۸)، بررسی نقش تعدیل کننده ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین‌المللی ایده‌های نوین در مدیریت حسابداری، اقتصاد و بانکداری، تهران.

کیانی، حسین و تالانه، عبدالرضا (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و تجدید آرایه حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، هفتمین کنفرانس ملی کاربردهای حسابداری و مدیریت، تهران.

مهربان پور، محمدرضا، جندقی قمی، محمد و منصور محمدی (۱۳۹۶)، بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر به‌کارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره ۳.

نبی زاده، فهیمه و ابراهیمی روسنجان، مجتبی (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۲۲.

سامانیان، علیرضا، بندریان، امیرعلی و مسیح پور، کورش (۱۳۹۹)، بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته با ارزش شرکت: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی، مجله چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۳۵.

می‌شود یا خیر. از طرفی معاملات با اشخاص وابسته ممکن است موجب استغناء سهام‌داران، مدیران و سایر کنترل‌کنندگان واحد انتفاعی و ایجاد هزینه برای طرف‌های غیروابسته در این معاملات گردد. این مهم می‌تواند از طریق خرید و فروش دارایی‌ها، کالاها، خدمات، دریافت وام‌هایی با شرایط مطلوب و با استفاده از دارایی‌های شرکت به عنوان تضمین تسهیلات شخصی انجام گیرد که خود باعث انتقال ثروت خواهد بود. معاملاتی که عمدتاً به صورت مستقیم توسط سهام‌داران عمده، مدیران و اعضای هیئت مدیره انجام می‌گیرد تأثیر منفی بر ارزش شرکت و نقش قابل توجهی در رسوایی‌هایی دارد که منجر به شکست شرکت‌ها و گروه‌های بزرگی از شرکت‌ها می‌شود. هر اندازه معاملات اشخاص وابسته در شرکت بیش‌تر باشد امنیت برای سهام‌داران جزء پایین‌تر بوده و در نتیجه این امر باعث کاهش ارزش سهام شرکت خواهد شد.

پیشنهادهای کاربردی

به سرمایه‌گذاران کوتاه مدت و بلندمدت بازار بورس توصیه می‌شود که در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، به شیوه‌های گزارش-گری مالی شرکت‌ها توجه نمایند و با توجه به سود موردانتظارشان در جهت انتخاب سهام و سرمایه‌گذاری اقدام نمایند. براساس مبانی محافظه‌کاری و نتایج حاصل از تحقیق بنظر می‌رسد که شرکت‌های با رتبه افشاء و ارتباطات سیاسی بالاتر برای سرمایه‌گذاران های با افق دید بلندمدت مناسب‌تر باشند.

همچنین پیشنهاد می‌شود که سهامداران و اعتباردهندگان شرکت‌های سهامی، با اعمال مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، ارتباطات سیاسی، در کلیه شرایط، مدیران را وادار به اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی نمایند، تا از این طریق احتمال هدر رفت و توزیع منابع شرکت در قالب سودهای واهی و بی‌کیفیت، کاهش یابد.

با توجه به یافته‌های پژوهش که حاکی از آن می‌باشد در شرایط تورمی و بروز نوسانات نرخ ارز، توجه کمتری به ارتباطات سیاسی در بازار بورس می‌شود. و تمرکز بیشتر بروی ملاک‌های اندازه شرکت و ریسک شرکت قرار داده می‌شود. سازمان بورس به عنوان یک نهاد تخصصی زیرساخت‌های لازم را جهت بالابردن سطح انتخاب بهینه سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه فراهم نماید. تا در دراز مدت شاهد بازای کارا در بورس اوراق بهادار باشیم. از طرفی با افزایش طرح‌های نظارتی نسبت به سطح کیفیت افشاء شرکت‌ها جهت افزایش میانگین سطح افشاء کل بازار سرمایه و ارتباطات سیاسی بالاتر، زیر ساخت‌های کارایی بازار سرمایه را با داشتن سرمایه‌گذاران آگاه با طرح‌های آموزش و تیبیغاتی فراهم نماید.

- عباس‌زاده، محمد، رجبعلی‌زاده، جواد و قناد، مصطفی (۱۳۹۸)، ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، فصلنامه علمی پژوهش مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۶، شماره ۶۳.
- محمودی، مجید و فلاح، رضا (۱۳۹۶)، بررسی عوامل موثر بر ارزش شرکت‌های بورسی با تاکید بر تاثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره مطالعه موردی: شرکت‌های بورسی ایرانی، پنجمین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی، شیراز، موسسه آموزشی مدیران خبره نارون.
- دارابی، رویا و داوودخانی، محمود (۱۳۹۵)، تأثیر معاملات اشخاص وابسته بر ارزش شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۳.
- مهربانپور، محمدرضا، جندقی قمی، محمد و محمدی، منصور (۱۳۹۶)، بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۲، شماره ۳.
- عبداله‌نژاد، رضا، صالحی، مهدی و تورچی، محمد (۱۳۹۹)، تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۳۶.
- کمیته فنی سازمان حسابرسی (۱۳۸۶)، اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی، استانداردهای حسابداری، انتشارات سازمان حسابرسی.
- خلیفه‌سلطانی، احمد، رهنما، مریم و فرزانه کیماسی (۱۳۹۷)، تأثیر ارتباطات سیاسی بر خطر سقوط قیمت سهام تحت شرایط عدم تقارن اطلاعاتی، مجله دانش حسابرسی، مقالات زیر چاپ
- وقفی، سیدحسام؛ سلمانیان، مریم؛ مانیان، فرزاد؛ و فیاض، علی؛ (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته باکیفیت افشا، مدیریت سود و سودآوری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۷، شماره ۲۴.
- استراوس، انسلم. کربین، جولیت. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- حسنقلی پور، طهمورث. کیانی، سرمد. یوسفی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق و صنعت ساخت (به همراه آشنایی با روش‌شناسی تحقیق در مدیریت پروژه). انتشارات دانشگاه تهران. تهران. ۵۲۱
- دانایی‌فرد، حسن. امامی، مجتبی. (۱۳۹۲). استراتژی نظریه داده بنیاد در مطالعات سازمان و مدیریت. (فصل چهارم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع). انتشارات صفار. چاپ دوم.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). تجربه نوسازی (مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای). تهران. انتشارات جامعه شناسان.
- Abiot Tessema, (2020). Audit quality, political connections and information asymmetry: evidence from banks in gulf co-operation council countries, *International Journal of Managerial Finance*, DOI 10.1108/IJMF-01-2020-0027.
- Al-dhamari R, Ku Ismail K N. (2015). Cash holdings, political connections, and earnings quality, *International Journal of Managerial Finance*, 11 (2) , 215- 231 .
- Amihud, Y., 2002, Illiquidity and stock returns: Cross-section and time series affects, *Journal of Financial Markets* 5, 31-56. annual reports Japanese listed corporations. *Accounting and Business Research*, 22(87), 229-237
- Amihud, Y., Mendelson, H., 2008. Liquidity, the value of the firm, and corporate governance. *Journal of Applied Corporate Finance* 20, 32-45.
- Ammann, M., Oesch, D., Schmid, M.M., 2011. Corporate governance and firm value: international evidence. *Journal of Empirical Finance* 18, 36-55.
- Amore, M. D., Bennesen, M., (2013). The value of local political connections in a low-corruption environment. *Journal of Financial Economics* 110 (2), 387-402.
- Arifur, K., Dessalegn, G., Mihret, M., & M., Badrul. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24 (4): 1-29.
- Ariningrum, Intan & Diyanty, Vera, (2017), The Impact of Political Connections and the Effectiveness of Board of Commissioner and Audit Committees on Audit Fees. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 11 (4), 2017, 53-70. doi:10.14453/aabfj.v11i4.5.
- Ariningrum, Intan & Diyanty, Vera, (2017), The Impact of Political Connections and the Effectiveness of Board of Commissioner and Audit Committees on Audit Fees. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 11 (4), 2017, 53-70. doi:10.14453/aabfj.v11i4.5.
- Badi, H, Baltagi, *Econometric Anahysis of Panel Data*, Jon Wiky & Sons, New York, 2006.
- Balasubramanian, N., Black, B.S., Khanna, V., 2010. The relation between firm-level corporate governance and market value: a case study of India. *Emerging Market Review* 11, 319-340.
- Black, B.S., Love, I., Rachinsky, A., 2006. Corporate governance indices and firms' market values: time series evidence from Russia. *Emerging Markets Review* 7, 361-379.

- Florackis, C., Ozkan, A., 2009. Managerial incentives and corporate leverage: evidence from the United Kingdom. *Accounting and Finance* 49, 531–553.
- Fung, S. Y., Gul, F. A., & Radhakrishnan, S. (2015). Corporate political connections and the 2008 Malaysian election. *Accounting, Organizations and Society*, 43, 67-86.
- Ge, W., Drury, D., Fortin, S., Liu, F., & Tsang, D. (2010). Value Relevance of Disclosed Related Party Transaction. *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 61: 90- 91.
- Gordon, E.A., Henry, E. & Palia, D. (2004). Related party transactions: Associations with firm value. SSRN eLibrary.
- Habib, A., & Muhammadi, A. H. (2018). Political connections and audit report lag: Indonesian evidence. *International Journal of Accounting & Information Management*, Vol. 26, No. 1, pp.59-80.
- Habib, A., Muhammadi, A. H., & Jiang, H. (2017). Political connections, related party transactions, and auditor choice: Evidence from Indonesia. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13(1), 1-19.
- Hu, F., Stewart, J., & Tan, W. (2017). CEO's political connections, institutions and audit opinions. *Pacific Accounting Review*, 29(3), 283-306.
- Jain, P., Kim, J.C., Rezaee, Z., 2008. The Sarbanes–Oxley Act of 2002 and market liquidity. *Financial Review* 43, 361–382.
- Klapper, L.F., Love, I., 2004. Corporate governance, investor protection and performance in emerging markets. *Journal of Corporate Finance* 10, 703–728.
- Klock, M.S., Mansi, S.A., Maxwell, W.F., 2005. Does corporate governance matter to bondholders? *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 40, 693–719.
- Kohlbeck, M., & Mayhew, B.W. (2017). Are Related Party Transactions Red Flags? *Contemporary Accounting Research*, 34, 900-928.
- Lapan, S. D., Quartaroli, M. T., & Riemer, F. J. (Eds.). (2011). *Qualitative research: An introduction to methods and designs*. 1st Edition. Jossey-Bass
- Lee, W. Wang, L. (2017). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 48 (3): 643-676 .
- Lesmond, D., 2005. Liquidity of emerging market. *Journal of Financial Economics* 77, 441–452.
- Li, H., Meng, L., Wang, Q., & Zhou, L. A. (2008). Political connections, financing and firm performance: Evidence from Chinese private firms. *Journal of Development Economics*, 87, 283– 299.
- Lin, T., Chang, H., Yu, Hui, F., & Kao, C. (2020). The impact of political connections and business groups on cash holdings: Evidence from Chinese listed firms. *Global Finance Journal*, Vol. 40, No. 3, pp. 65-73.
- Liu, Y., Li, X., Zeng, H., & Y., An. (2016). Political connections, auditor choice and corporate
- Borisova, G., Brockman, P., Salas, J. M., & Zagorchev, A. (2012). Government ownership and corporate governance: Evidence from the EU. *Journal of Banking & Finance* 36:2917-2934.
- Brown, L. and M. Caylor, 2006, Corporate governance and firm valuation, *Journal of Accounting and Public Policy* 25, 409-434.
- Chaney, PK, Faccio M, Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1–2): 58–76 .
- Chavez, G.A., Silva, A.C., 2009. Brazil's experiment with corporate governance. *Journal of Applied Corporate Finance* 21, 34–44.
- Cheung, Y. -L., Jing, L., Lu, T., Rau, P. R., & Stouraitis, A. (2009). Tunneling and propping up: An analysis of related party transactions by Chinese listed companies. *Pacific- Basin Finance Journal*, 17, 372–393.
- Chung, H. S., & Chih, Y. L. (2016). Political connections, financial constraints, and corporate investment. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol. 7, No. 2, pp. 343–368.
- Chung, K.H., J. Elder, and J.C. Kim, 2010, corporate governance and liquidity, *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 45, 265-291.
- Cooke, T. E. (1992, Summer). The effect of size, stock market listing and industry type on disclosure in the
- Cull, R., Li, W., Sun, B. & Xu, L.C. (2015). Government connections and financial constraints: evidence from a large representative sample of Chinese firms. *Journal of Corporate Finance*, Vol. 32, No. 1, pp. 271-294.
- Deng, K., Zeng, H., Zhu, Y. (2017). Political connection, market frictions and financial constraints: evidence from China. *Accounting & Finance*, 59(4), 2377-2414.
- Ding, S, Jia C, Wilson, C, Wu, Z. (2015). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Review of Quantitative Finance and Accounting* 45 (2): 407–434
- Djankov, S., La Porta, R., Lopez-De-Silanes, F., & Shleifer, A. (2008). The law and economics of self-dealing. *Journal of Financial Economics*, 88, 430-465.
- Edmans, A., Manso, G., 2011. Governance through trading and intervention: a theory of multiple blockholders. *Review of Financial Studies* 24 (7), 2395–2428.
- El-Helaly M, Georgiou I, Lowe AD, (2018), The Interplay between Related Party Transactions and Earnings Management: The role of Audit Quality, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, <https://doi.org/10.1016/j.intaccudtax.2018.07.003>.
- Facco, M., Masulis, R. W., & McConnell, J. J. (2006). Political connections and corporate bailouts. *The Journal of Finance*, 61(6), 2597–2635.
- Fisman, R. (2001). Estimating the value of political connections. *American Economic Review*, 91(4), 1095–1102.

- accounting transparency: evidence from private sector firms in China. *Accounting and Finance*, 57 (4): 1071-1099.
- Mangena, M., Taurigana, V., 2007. Disclosure, corporate governance and foreign share ownership on the Zimbabwe stock exchange. *Journal of International Financial Management and Accounting* 18, 53-85.
- Maug, E., 1998. Large shareholders as monitors: is there a trade-off between liquidity and control? *Journal of Finance* 65-98.
- Nekhili, M., Moêz, C. (2011). Related parties Transactions and Firm's Market Value: The French, Case University of Jendouba, Jendouba, Tunisia, pp 74-120.
- Odegaard, B.A., 2007. Price differences between equity classes. Corporate control foreign ownership or liquidity? *Journal of Banking and Finance* 31, 3621-3645.



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 15/ No. 59/ Autumn 2026

Investigating the effects of transparency of financial information, political communication and transactions with people related to corporate governance in companies admitted to the Tehran Stock Exchange

PhD student, Department of accounting, Khorramshahr International Branch, Islamic Azad University, Khorramshahr, Iran (Corresponding Author)
Maryam.karimi9298@gmail.com

Rasoul karami

Assistant Professor, Department of Accounting, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran (corresponding author)
Rasoul.karami@iau.ac.ir

Hoshang amiri

Assistant Professor, Department of Accounting, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran
hoshangamiri@gmail.com

Abstract

Considering the decisive role of corporate governance mechanisms and its relationship between the transparency of financial information, political communications, transactions with related parties and the performance of companies in this research, in addition to examining them, the effect of some control variables on corporate governance was investigated. has taken. The purpose of this research is to determine the influencing variables on the governance mechanisms, such as the structure of the board of directors of the internal audit company (intra-organizational monitoring mechanisms of corporate governance), major shareholders and institutional investors (extra-organizational monitoring mechanisms of corporate governance), Political connections, transactions with related persons have been used in the framework of a statistical panel (companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the years 2005-2021) and in the framework of a multivariable logarithmic econometric model. In this research, the effect of institutional ownership structure, company profit volatility, company sales, Tobin's criteria and profitability (performance indicators), stock liquidity (financial transparency), political connections, transactions with related persons, among other variables. The control of the companies admitted to the Tehran Stock Exchange has been reviewed. The findings of this research show that if the factors of company profit volatility, company sales, stock liquidity (financial transparency), political connections, transactions with related parties and company performance change, the impact of all variables except the profit volatility variables will change. Companies, political connections, transactions with related persons and the debt load index of companies will have a positive effect on the institutional structure and performance indicators of the companies admitted to the stock exchange and the relationship between the performance structure of the companies and the liquidity of the shares and the institutional structure. (Political communication) is evaluated positively in a bilateral system.

Keywords: corporate governance, political communication, related party transactions, panel data.

